

# تفسیر

# آیه ای از سوره یونس

وصی و رسول امام مهدی علیه السلام

سید أحمد الحسن

انتشارات أنصار امام مهدی علیه السلام

نسخه تصحیح شده

چاپ دوم

۱۴۳۱ هـ - ۲۰۱۰ م

برای آشنایی بیشتر درباره می دعوت سید احمد الحسن علیه السلام

می توانید به آدرس وسایت زیر مراجعه کنید:

[www.almahdyoon.org](http://www.almahdyoon.org)

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خداوند سبحان می فرماید:

﴿وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّى إِذَا  
أُذِرْكُهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ  
الْمُسْلِمِينَ﴾<sup>(۱)</sup>.

(سراجم) بنی اسرائیل را از دریا [رودعظیم نیل] عبور دادیم؛ وفرعون  
ولشکرش از سر ظلم و تجاوز، به دنبال آنها رفتند؛ هنگامیکه غرق (آب) دامن  
اورا گرفت، گفت: «ایمان آوردم که هیچ معبودی، جز کسی که بنی اسرائیل به  
او ایمان آورده‌اند، وجود ندارد؛ ومن از مسلمین هستم.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

والحمد لله رب العالمين

وصلی الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً

(ابن آدم اذكرني حين تغضب اذكرك حين اغضب فلا أمحقك فيمن أمحق، فإذا ظلمت بمظلمة فأرض بانتصاري لك فإن انتصاري لك خير من انتصارك لنفسك)<sup>(۱)</sup>.

(ای فرزندانم هنگامی که خشمگین می شوی مرا یادکن، تا من نیزهنگام خشم تو را بیاد بیاورم و تو را هلاک نکنم وقتی که دیگران را هلاک سازم، پس هنگامی که سستی به شما شد در یاری من به شما خشنود باش چون یاری من برای شما بهتر از یاری خود برای خویشتن است).

اللهم أنا العبد المسكين الضعيف المستضعف رضيت بانتصارك لي ممن ظلمني خداوندا من بنده ی ذلیل و فقیر و ضعیف به یاری تو نسبت به کسی که به من ستم روا داشت خشنودم.

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ

لِلْعَالَمِينَ﴾<sup>(۲)</sup>.

نزدیکاست کافران هنگامی که آیات قرآن را می شنوند با چشم زخم خود تو را از بین ببرند، و می گویند: «اودیوانه است!» درحالی که این (قرآن) جزمایه بیداری برای جهانیان نیست! قبل از آغاز در بیان معنای آیه:

اولاً: بعضی از کلمات صرخی که بوسیله ی آنها به من هجوم کرده نقل می کنم: (و بهذا يكون المدعي قد خالف العقل والعقلاء وخالف العرف وأهل العرف وخالف الإنسان السوي والإنسانية ..... إن هذا المدعي الجاهل الظلامي..... هو يدعي هذه الدعوى الباطلة

۱- کافی: ج ۲ ص ۳۰۴، دعائم الإسلام: ج ۲ ص ۵۳۷.

۲- قلم: ۵۱-۵۲.

۶..... انشأتم أنصاراً ممدی (ع)

الفاصلة المضلة..... السخف والسفه والتهافت والجهل والظلام في الفكر والعقل والقلب والنفس عند المدعي..... إن ما كتبه المدعي تافه تافه ضحل ضحل وهو أتفه وأكثر ضحالة مما تتصورون..... إن ضحالة فكر المدعي وسقم عقله وانحرافه النفسي..... الخ).

(وبا این مدعی با عقل وعاقلان و عرف و اهل عرف و انسان سلیم و انسانیّت مخالفت کرده است..... اینکه این مدعی نادان ستم گر..... او ادعای این دعوت باطل فاسد گمراه و گمراه کننده را می کند..... بی ارزشی و سفاهت و خاموشی و نادانی و تاریکی در فکر و عقل و قلب و نفس مدعی دیده می شود..... آنچه که مدعی نوشته است بی ارزش بی ارزش بی ارزش و کم بها ، کم بها ، کم بها است و او بی ارزش و کم بهاتر از آنچه که تصورش می کنید..... کوته فکری و بیماری عقلی و انحراف نفسی مدعی است..... الی آخر).

این روش و کلماتی که صرخی نوشته است از هراخلاقی بدور است ، و از هرنویسنده ای که ادب کمی دارد نیز بعید است ، علاوه بر آن او ادعا می کند که پاسخ علمی می نویسد ، به خدا سوگند او مرا به یاد عمرو عاص انداخت که عورتش را آشکار کرد تا خودش را نجات دهد. و هیچ نیرویی و قدرتی وجود ندارد مگر بوسیله ی خداوند بلند مرتبه و عظیم، و این تفاوت بین ما کافی است و هر ظرفی آنچه که در درونش دارد تراوش می کند.

و صرخی بوسیله ی کلماتی که در مقدمه ارائه شد آن حسدی که سینه اش را پر کرده بود خارج ساخت ، و با این حسدش دلیل و تأیید دیگری بر صحت دعوت مبارکه ی یمانی اضافه کرد، خداوند متعال می فرمایند:

﴿أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ

وَأَتَيْنَاهُم مَّلَكًا عَظِيمًا﴾<sup>(۱)</sup>، یا اینکه نسبت به مردم [= پیامبر و خاندانش]، و بر آن چه خدا از فضلش به آنان بخشیده، حسد می ورزند؟ ما به آل ابراهیم، کتاب و حکمت دادیم؛ و حکومت عظیمی در اختیار آنها قرار دادیم.<sup>(۲)</sup>

۱- نساء: ۵۴.

۲- وروی الکلبینی بسنده: عن حمد بن محمد، عن محمد بن أبي عمير، عن سيف بن عميرة، عن أبي الصباح الكناني، قال: قال

ثانیاً: صرخی که عبارت زیر از کتاب روشنگری از دعوت پیامبران [سید احمد حسن (ع)] نقل کردند: (اما معجزه‌ی مادی به تنهایی نمی‌تواند راهی برای ایمان مردم باشد، بلکه خداوند به چنین ایمان مادی محض راضی نمی‌شود، و اگر قبول می‌داشت، ایمان فرعون را بعد از دیدن معجزه‌ی قاهره‌ی او که قابل تأویل نیست قبول می‌کرد، و آن شکافتن دریا، و هر شکافی را مانند کوه بزرگی مشاهده می‌کرد، و بادست خود آن را لمس کرد و گفت: (ایمان آوردم....))<sup>(۱)</sup>، که آن تعلیقی بر آیه‌ی قرآنی است و تفسیر کاملی برای آن نیست، و من در صدد تفسیر آیه نبودم، بلکه آن را بعنوان شاهده‌ی بر عدم قبول ایمان در آن هنگام که معجزه قاهره و تأویل نمی‌شود آورده باشم.

وسخن من واضح است که نمی‌توان فعلاً از آن چیزی فهمید مگر آنچه که بعداً در خصوص تفسیری آیه‌ی او از سوره‌ی یونس خواهد آمد: و آن این است همانطور که در قرآن آمده همانا او (فرعون) بعد از دیدن و لمس کردن آب دریا [نیل] بادست خود که مانند کوه عظیمی بود گفت ایمان آوردم، و خداوند ایمان فرعون را قبول نمی‌کند؛ زیرا او با یک معجزه‌ی قاهره نمی‌توان آن را تأویل و بیان کرد به خداوند پناه آورد.

اما صرخی سعی کرد خواننده را به شک بیاندازد که من به تحقیق گفته‌ام همانا فرعون به محض دیدن معجزه گفت ایمان آوردم، با این که تمام کلامی که در مقدمه از کتاب روشنگری از من نقل کرده بسیار واضح و روشن است، که من گفتم: (و هر شکافی را مانند کوه بزرگی مشاهده می‌کرد، و بادست خود آن را لمس کرد).

و صرخی نیز تلاش کرد که خواننده به شک بیاندازد که من گفتم: فرعون بنی اسرائیل را تعقیب نمی‌کرد، تا آخر کلامی که از صرخی آمده و جدا از اینکه طرح علی باشد از مصداقیت بسیار دور است.

أبو عبد الله (ع): (نحن قوم فرض الله طاعتنا، لنا الأفعال، ولنا صفواً للمال، ونحن الراسخون في العلم، ونحن المحسودون الذين قال الله: ﴿أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عُلَمَاً أَتَاهُمْ اللَّهُ مِنْفَضْلِهِ﴾) الكافي: ج ۱ ص ۱۸۶.

و کلینی با سندش روایت کرد: از محمد بن ابی عمیر، از سیف بن عمیره، از ابی صباح کنانی، گفت: امام صادق (ع) فرمودند: (ما قومی هستیم که خداوند طاعت ما را واجب کرده است، و افعال برای ما است، و مال پاک و خاص برای ما، و ما در علم راسخ و ریشه دار هستیم، و ما مورد حسد هستیم که خداوند درباره‌ی ما فرمودند: (یا اینکه نسبت به مردم [= پیامبر و خاندانش]، و بر آنچه خدا از فضلش به آنان بخشیده، حسد می‌ورزند؟)

۱- اضاءات: ج ۲ ق ۲ ص ۲۴.

ثالثاً: إِنَّ الصَّرْحِي قَالَ: (لأهمية القضية وخطورتها ولتوضيح المطلب وترسيخه فلا بأس من تشخيص وإبراز وتأكيد الحقيقة القرآنية الإلهية اليقينية القطعية، ومفادها أن فرعون لم يتلفظ ولم يقل أمنت عندما أنفلق البحر، وإن تلفظه وقوله أمنت لم يكن مترتباً على معجزة انفلاق البحر، أي إن معجزة انفلاق البحر ليست هي السبب وليست هي الدافع وليست هي الملجئ والمُجبر لفرعون بأن يقول أمنت) انتهى.

ثالثاً: همانا صرخی گفت: (بدلیل اهمیت قضیه و ضرورت آن و برای توضیح مطلب و اثبات آن اشکالی نیست که تاکید حقیقت قرآنی الهی یقینی و قطعی را تشخيص و بیان کرد ، و مفادش این است که فرعون هنگامی که دریا شکافته می شود تلفظ نمی کند و نمی گوید ایمان آوردم ، و تلفظ و گفتارش که ایمان آوردم ناشی از معجزه ی شکافته شدن دریا نیست ، یعنی معجزه ی شکافته شدن دریا آن سبب و انگیزه و پناه گاه و مجبور کننده برای فرعون که بگوید ایمان آوردم نیست) تمام شد.

و باید این دو امر را در این کلام ملاحظه کنیم:

۱- مسئله ی ایمان آوردن فرعون که تنها فقط با دیدن معجزه شکافته شدن دریا بود، و این مسئله از کلام من که صرخی آن را نقل کرده واضح و روشن است که من آن را نگفتم، جز این که حسد بر روی چشمان صرخی پرده قراردادده و او را از خواندن (و یادستش آن را لمس کرد) منع کرده باشد، خداوند متعال می فرماید: ﴿أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا﴾<sup>(۱)</sup>. یا اینکه نسبت به مردم [= پیامبر و خاندانش]، و بر آن چه خدا از فضلش به آنان بخشیده، حسد می ورزند؟ ما به آل ابراهیم، کتاب و حکمت دادیم ؛ و حکومت عظیمی در اختیار آنها قرار دادیم.

۲- و همچنین صرخی گفت: همانا گفتار فرعون ایمان آوردم ناشی از معجزه ی شکافته شدن نیست و این اعجاز الهی فرعون را مجبور نمی سازد تا بگوید: ایمان آوردم. و در نظر صرخی عاملی که باعث شده تا فرعون بگوید ایمان آوردم آن دریافتن و فهمیدن که در حال غرق شدن است. و صرخی بین ادراک ( غرق دامن او را گرفت) و (غرق شدن) را



نمی‌تواند تمییز دهد، پس اگر فرق بین آنها را می‌فهمید خواهد دانست که ایمان فرعون ناشی از دامن گیر شدن و دریافتن غرق است، یعنی ایمان فرعون به سبب معجزه‌ی شکافته شدن دریا بود، یا بعد از لمس کردن کوه آب که او و لشکرش را احاطه کرده بود و قطعاً دانست که شکافته شدن دریا حقیقت است و سحر و جادو نیست همانطور که از قبل حضرت موسی (ع) رابه این کار متهم می‌ساخت.

و فرق بین ادراک غرق و غرق این است که:

ادراک غرق برای فرعون یعنی نزدیک شدن به آن و رسیدن به آن است، یعنی: حادثه غرق شدن به فرعون نزدیک شده اما هنوز در آن واقع نشده است، ولی غرق شدن یعنی حادثه غرق واقع شده است، پس ای صرخی آیا اکنون فهمیدی که وقتی فرعون گفت ایمان آوردم حادثه غرق شدن واقع نشده است، و در آخر جز معجزه (شکافتن دریا) که با دست خود لمس کرده و یقین حاصل کرد که معجزه است و آن سببی برای کلامش که (ایمان آوردم) چیزی باقی نمی‌ماند.

و همچنین آنچه که بوضوح دلالت دارد این است که صرخی بین ادراک غرق و غرق شدن را نمی‌تواند تمییز دهد و آن ایمان فرعون ناشی از خود غرق شدن است همانطور که صرخی گفت: (بلکه آنچه که فرعون را مجبور ساخت که بگوید ایمان آوردم آن غرق شدن و دامن گیر شدن به غرق و نشانه‌ها و علامات مرگ است؟)

در زیر سؤال‌های صرخی و چگونگی پاسخ به آنها را برای شما آوردم:

(آیا فرعون قبل از غرق شدن یا قبل از دامن گیر شدن به غرق ایمان آورده است؟)

و آیا فرعون قبل از غرق شدن یا قبل از دامن گیر شدن به غرق تلفظ کرد و گفت ایمان آوردم؟

آیا ایمان فرعون قبل از غرق شدن بود.... و بعد از غرق شدن تلفظ کرد و گفت ایمان آوردم؟  
..... بلکه می‌توان گفت که او حتی بعد از اینکه غرق دامن او را گرفت برستم و ظلم و دشمنی خود بود و بر این وصف و حال ماند تا این که گفت ایمان آوردم (ملاحظه اینکه گفتارش ایمان آوردم بعد از دامن گیر شدن در غرق یا بعد از ابتدای دامن گیر شدن در غرق است).

..... بلکه آنچه که فرعون را مجبور ساخت که بگوید ایمان آوردم آن غرق شدن و دامن گیر شدن به غرق و نشانه ها و علامات مرگ است).

صرخی همانطور که کاملاً روشن است و برای کسی که کلماتش را می خواند او فرق بین غرق شدن و دامن گیر شدن به غرق را نمی داند ، اگر او بین آنها را تمییز می داد می دانست که دامن گیر شدن در غرق به محض ورود فرعون و لشکرش به قعر دریایی که آب آن مانند دوکوه او را محاصره کرده بودند ، و قبل از این که فرعون بگوید ایمان آوردم حاصل شد .

اما غرق شدن بعد از اینکه فرعون گفت ایمان آوردم حاصل شد، یعنی: فرعون بعد از دامن گیر شدنش در غرق (آب) و قبل از غرق شدن گفت ایمان آوردم.

رابعاً: قال الصرخي: (.....لاحظ أيها القارئ العاقل، لاحظ أيها المنصف أيها الإنسان السوي. لاحظ كيف أنه فرّع قول فرعون أمنت حيث قال المدعي [فقال: أمنت] فرّعه على انشقاق البحر ورؤية فرعون للمعجزة ولمسه لها بيده...، وعبر عنها بأنها قاهرة لا تؤول، وهذا الفهم للآيات القرآنية ومعانيها يخالف الحقيقة الإلهية اليقينية التي أثبتناها، وبهذا يكون المدّعي قد خالف العقل والعقلاء وخالف العرف وأهل العرف وخالف الإنسان السويّ والإنسانية وخالف القرآن وآياته ومعانيه الضرورية .....). انتهى.

چهارم: صرخي گفت: (.....ای خواننده عاقل ملاحظه کن، ای انسان بانصاف ای انسان سلیم ملاحظه کن که چگونه او گفتار فرعون به اینکه ایمان آوردم را جدا سازی کرد، از آنجا که مدّعی گفت [وگفت: ایمان آوردم] آن را بر شکافته شدن دریا و نگاه فرعون به معجزه و لمس معجزه با دست هایش تقسیم کرده است...، و آن را قاهر و بدون تأویل تعبیر کرد، و این استنباط از آیات قرآنی و معانی آنها با حقیقت یقینی الهی که ثابت کردیم مخالفت دارد ، و با این مدّعی با عقل و عاقلان ، و عرف و عارفان و انسان سلیم و انسانیت مخالفت کرده و با قرآن و آیاتش و معانی ضروری آن مخالفت نموده.....). تمام شد.

یعنی: صرخي اعتقاد داشت که معجزه شکافته شدن دریا بعد از این که فرعون آن را دید و کوه آب را با دست هایش لمس کرد قاهره نیست و می توان نسبت به فرعون تأویل شود.

واین سؤال را برای خواننده می‌گذارم که از صرخی بپرسد سؤالی که تا ابد نتواند برای آن پاسخی پیدا کند ، و آن این است که چگونه می‌توان معجزه‌ی شکافتن دریا را نسبت به فرعون تأویل کنی بعد از این که آن یک اثرعینی شد و آنگاه که آن را با دستش لمس کرد یا بعد از این که به قعر دریا فرود آمد و دربین کوه‌های آب قرار گرفت، و او روی زمینی که آب آن را بوسیله‌ی دوکوه آب درسمت راست وچپش مورد محاصره کرده بود حرکت می‌کرد؟؟!!

پنجم: آن چیزی که صرخی آن را پژوهش یا کتاب تعبیر کرده بود (همانطور که سخنگوی وی آن را نقد و پاسخی به احمدحسن تصریح کرد) چیزی جزء این چهارسطرکه درمقدمه گفته شد نیست وصرخی گمان کرد که اینها پاسخ هستند ، و اگر اومی دانست که چگونه خود را از این پر حرفی خسته کننده و سخنان فاحش کنار بکشد از توهمات کوتاه می‌آمد و آن اشکال بریک آیه قرآنی که بعنوان شاهد دریک سطر در کتاب روشنگری آمده پس آیا این سطر(باطل) کتابی درپاسخ به احمد الحسن شمرده می‌شود ، اما ضرری ندارد و شماها وارثان طبل معاویه و ابن عاص هستید ، و درقدیم گفته شد: اگر شرم نداری هرچه دوست داری انجام بده.

به هر حال ، صرخی و خیلی‌ها قبل از او گمان کردند که این تفسیری برای آیه‌ی قرآنی است، و خطای آنها را در تفسیر وفهم واستنباطی که بسوی آن رفتند را روشن خواهم ساخت ؛ چون عدم صحت آن را از خلال تفسیرآیه قرآنی و ایراد احتمالات اشتباه درتفسیر و پاسخ آن روشن خواهم ساخت.

## تفسیر آیه ای از سوره ی یونس

خداوند متعال می فرماید: ﴿وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّىٰ إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾<sup>(۱)</sup>.

(سرانجام) بنی اسرائیل را از دریا [= رودعظیم نیل] عبور دادیم؛ و فرعون و لشکرش از سر ظلم و تجاوز، به دنبال آنها رفتند؛ هنگامیکه غرق (آب) دامن او را گرفت، گفت: «ایمان آوردم که هیچ معبودی، جز کسی که بنی اسرائیل به او ایمان آورده اند، وجود ندارد؛ و من از مسلمین هستم!»

ایمان فرعون که در فرمایش خداوند متعال آمده چه زمانی بوده است:

﴿آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾؟؟

«ایمان آوردم که هیچ معبودی، جز کسی که بنی اسرائیل به او ایمان آورده اند، وجود ندارد؛ و من از مسلمین هستم!»؟؟

و برای جواب دادن به آن در اینجا چند احتمال وجود دارد که عبارتند از:

۱- ایمان فرعون هنگامی است که معجزه ی شکافتن دریا را با چشمانش دید بوده باشد.

۲- ایمان فرعون بعد از فرود آمدن در قعر دریا برای رسیدن به بنی اسرائیل بوده است، ولی قبل از این که آب (از دو طرف) بر روی او جمع شود و در آن غرق گردد.

۳- ایمان فرعون بعد از این که آب بر روی او جمع شده و در آن غرق گردید، ولی قطعاً قبل از این که بمیرد، و این همان احتمالی است که صرخی که آن را حقیقت قرآنی یقینی شمرده است، صرخی گفت: (..... بلکه آن چیزی که او را مجبور به سخن "ایمان آوردم" کرد آن همان غرق شدن است .....).

وسه احتمال را زیر فایده نقد علمی مستند به کلام خداوند متعال که تقدم شد ، و واقعیت فیزیکی برای گفتاری آنچه که انسان از کلمات تلفظ می کند قرار می دهیم ، و ترتیب آنها بدین صورت است که ابتدا احتمال اول سپس احتمال سوم سپس به احتمال دوم برمی گردم.

**احتمال اول:** و آن ایمان فرعون درحالی که شکافتن دریا را دید.

و این احتمال غیر صحیح است ؛ به دلیل کلام خداوند متعال: ﴿وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ .....﴾ (سرانجام) بنی اسرائیل را از دریا [= رودعظیم نیل] عبور دادیم ؛ و فرعون و لشکرش از سر ظلم و تجاوز ، به دنبال آنها رفتند ؛ هنگامیکه غرق (آب) دامن او را گرفت، گفت: «ایمان آوردم.....» و فرعون بدنبال بنی اسرائیل رفت، یعنی: اوبه شکافتن دریا اکتفا نکرد، بلکه به لشکرش فرمان داد که به قعر دریا نازل شوند و بنی اسرائیل را دنبال کنند ﴿فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا﴾ (و فرعون و لشکرش از سر ظلم و تجاوز، به دنبال آنها رفتند).

**احتمال سوم:** ایمان فرعون بعد از این که آب بر روی او جمع شده و در آن غرق گردید، ولی قطعاً قبل از اینکه بمیرد.

و این احتمالی ( که صرخی درستی آن را متوهم شده) غیر صحیح است؛ زیرا گفتار از یک شخص در این عالم مادی یعنی تلفظ کلمات ، غیر ممکن است بدون واسطه ای که با آن تلفظ کند تحقق یابد، و آن ( واسطه ) هوا است و با جمع شدن آب بر روی بر فرعون واسطه ی لفظ و آن هوا است از بین می رود پس نمی تواند چیزی بگوید.

همانطور این را باید ملاحظه کنیم که آب مانند دو کوه فرعون را احاطه کرده

بود ﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطُّودِ الْعَظِيمِ﴾<sup>(۱)</sup>. و بدنبال

آن به موسی وحی کردیم: «عصایت را به دریا بزن!» (عصایش رابه دریا زد، و دریا از هم شکافته شد، وهر بخشی هم چون کوه عظیمی بود!

این را تصورکن هنگامی که دوکوه عظیم بکلی فرو بریزند چه مدتی لازم است تا آب آنها ارتفاع بلند قدترین فرد و در عرضی که فقط از چند متری تجاوز نمی کند را پر کند ، و هر کس درس فیزیک خوانده می داند که فشار آب در قاعده ی کوه آب بسیار زیاد است، و در نهایت در به هم پیوستن آب بر فرعون و لشکرش آنگاه که دوکوه آب فرو بریزند نیاز به زمان کم تر از چند دقیقه و یا حتی چند ثانیه ندارد ، بلکه این امر خیلی کمتر از یک ثانیه تجاوز نمی کند و برای یک شخصی که بخواهد تعداد زیادی حروف را تلفظ کند کافی نیست، پس چگونه می توان تصور کرد که بیشتر از یک جمله تلفظ کند ﴿قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ

إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ «گفت ایمان آوردم که هیچ معبودی، جز کسی که بنی اسرائیل به او ایمان آورده اند ، وجود ندارد؛ و من از مسلمین هستم!».

و همچنین این را باید ملاحظه کرد که وقتی فرعون بوسیله آب پوشانده شد حال و وضع او نیز مانند بقیه ی سر بازانیش که زره آهنی پوشیده بودند سنگین بود؛ زیرا آنها برای جنگ بابنی اسرائیل خارج شدند و نمی توان تصور کرد که او شناور شده یا شنا کند و این فرصت برایش پیش بیاید و چیزی بگوید ؛ زیرا آهن او را از آن منع می کند؛ چون که او بوسیله آهن سنگین شده بود و همانا خروج جسمش از آب بعد از هلاک شدنش نشانه ای از خداوند است؛ و چون بطور معمول آهن او را در قعر دریا نگه می دارد ﴿فَالْيَوْمَ نُنَجِّكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ

خَلْفَكَ آيَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ﴾<sup>(۱)</sup> . ولی امروز، بدنترا (از آب) نجات می دهیم ، تا عبرتی برای آیندگان باشی! و بسیاری از مردم ، از آیات ما غافلند!

پس انسان عاقل نمی تواند تصور که فرعون بعد از فرو ریختن و به هم پیوستن کوهها آب پوشانده شدنش با آب « گفت ایمان آوردم که هیچ معبودی، جز کسی که بنی اسرائیل به او ایمان آورده اند ، وجود ندارد؛ و من از مسلمین هستم!».

وهمچنین عدم صحت این احتمال را خداوند سبحانه و تعالی تأکید می کند و نعی گوید: تا اینکه غرق شد گفت ایمان آوردم، بلکه می فرماید: ﴿حَتَّىٰ إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ﴾ (هنگامی که غرق (آب) دامن اورا گرفت، گفت: «ایمان آوردم) یعنی: اینکه غرق نزدیک به او چسبیده به او بوده و نه اینکه او اکنون غرق شده است، و به تحقیق هنگامی که کوه آب را لمس کرد ادراک غرق برای فرعون محقق شد ، و در حالی که او در قعر دریا روی زمین بین دو کوه آبی که او را احاطه کرده بودند حرکت می کرد به حال واقعیت آن را لمس کرد . و برای این که فرق بین ادراک غرق و خودغرق بیشتر روشن شود به این آیه توجه کن، خداوند متعال می فرماید: ﴿فَلَمَّا تَرَأَى الْجُمُعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَىٰ إِنَّا لَمُدْرِكُونَ﴾<sup>(۱)</sup> . هنگامی که دو گروه یکدیگر را دیدند ، یاران موسی گفتند: «ما در چنگال فرعونیان گرفتار شدیم!»

پس آنها تأکید می کنند که در چنگال فرعون و لشکرش هستند ﴿إِنَّا لَمُدْرِكُونَ﴾ یاران موسی گفتند: «ما در چنگال فرعونیان گرفتار شدیم!» با این که فرعون و لشکرش فقط به آنها نزدیک شدند به اندازه ای که دو گروه یک دیگر را می دیدند و با آنها در گیر نشدند.

**واحد احتمال دوم:** ایمان فرعون بعد از فرود آمدن در قعر دریا برای رسیدن به بنی اسرائیل بوده است، ولی قبل از این که آب (از دو طرف) بر روی او جمع شود و در آن غرق گردد. و احتمال صحیح این است، که فرعون و لشکرش به قعر دریا پایین آمدند و بنی اسرائیل را دنبال کردند، ولی هنگامی او بدنبال بنی اسرائیل بود خداوند به باد فرمان داد که سطح آب را بزنند پس مقداری از آب بفرعون و لشکرش سقوط کرد پس متوجه شد که او بین دو کوهی از آب حرکت می کرد و هر لحظه ممکن است آب او را بپوشاند ، و دو کوه آب را با دستش لمس کرد و نشانه های هلاک او و لشکرش برای او روشن شد و آنگاه که فهمید این یک معجزه ی قاهره است ، و نعی توان آن را یک جادویا چیز دیگری تأویل و تفسیر کرد ﴿قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾. گفت ایمان

آوردم که هیچ معبودی، جز کسی که بنی اسرائیل به او ایمان آورده‌اند، وجود ندارد؛ و من از مسلمین هستم!».

وایمان مراتبی دارد؛ اول آن: تصدیق است، و این گفتار از فرعون تصدیق است و بعد از این که خداوند جبار آسمانها و زمین در کتابش قرآن کریم آورده است کسی نمی تواند آن را انکار کند، و سپس بعد از ذکرش به قوله تعالی تأکید کرد: ﴿الآن وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ

الْمُفْسِدِينَ﴾<sup>(۱)</sup>. (اما به او خطاب شد: الان؟! در حالی که قبلاً عصیان کردی، و از مفسدان بودی!

یعنی: حالا ایمان می آوری بعد از این که معجزه ی قاهره را دیدی و قبل از این در ایمان به خدا سرپیچی می کردی ﴿وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ﴾ (در حالی که قبلاً عصیان کردی)، همانطور که آن را هر شخصی به سادگی می فهمید که چرا فرعون گفت ایمان آوردم که اگر او نجات دنیوی و اخروی خود را از خدا نمی خواست، یا حد اقل همانطور که بعضی ها در می یابند که آن فقط دنیوی است و بخصوص از غرق شدن؟ و چگونه به خداوند سبحان امیدوار باشد که او را نجات دهد و او وجودش را تصدیق نکند؟

پس ایمان (تصدیق) فرعون را به هر حال نمی توان آن را انکار کرد، بلکه در بیشتر از یک روایت ائمه (ع) به ایمانش (تصدیقش) که نفعی برای او ندارد شهادت دادند، و در

[کتاب] وسائل شیعه از موسی بن جعفر (ع) نقل شده: (.. أَلَا تَسْمَعُ اللَّهَ يَقُولُ ﴿حَتَّىٰ إِذَا

أَدْرَكَهُ الْغُرْقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ فَلَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ إِيْمَانَهُ وَقَالَ الْآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ)<sup>(۲)</sup>.

(...مگر فرمایش خداوند رانشنیدی (هنگامی که غرق (آب) دامن او را گرفت، گفت ایمان آوردم که هیچ معبودی، جز کسی که بنی اسرائیل به او ایمان آورده‌اند، وجود ندارد؛ و من

۱- یونس: ۹۱.

۲- وسائل الشیعة (آل البيت): ج ۱۶ ص ۹۰.



از مسلمین هستم) پس خداوند ایمان او را قبول نمی کند و فرمودند: **الآن؟! در حالی که قبلاً عصیان کردی ، و از مفسدان بودی!**

بلکه خداوند سبحانه و تعالی در آغاز ارسال حضرت موسی (ع) برای فرعون اشاره کردند که فرعون متذکر و خشوع خواهند کرد (وهر چند که این تذکر و خشوع از طرف خداوند برای او نفعی ندارد؛ زیرا آن به سبب معجزه‌ی قاهره بوجود آمده و او را به ایمان (تصدیق) مجبور ساخته .

محمد بن عماره عن أبيه عن سفیان بن سعید، قال: سمعت أبا عبد الله جعفر بن محمد الصادق (ع) وكان والله صادقاً كما سمّي ..... قال سفیان: ( فقلت له: يا ابن رسول الله هل يجوز أن يطمع الله عباده في كون ما لا يكون؟ قال: لا. فقلت: فكيف قال الله لموسى وهارون (ع) ﴿لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى﴾<sup>(۱)</sup> ، وقد علم أن فرعون لا يتذكر ولا يخشى؟ فقال: إن فرعون قد تذكر وخشي، ولكن عند رؤية البأس حيث لم ينفعه الإيمان، ألا تسمع الله يقول: ﴿حَتَّىٰ إِذَا أَذْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾، فلم يقبل الله تعالى إيمانه وقال: ﴿الآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ فَالْيَوْمَ نُجِيبُكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ آيَةً﴾ يقول نلقيك على نجوة من الأرض لتكون لمن بعدك علامة وعبرة)<sup>(۲)</sup>.

محمد بن عماره از پدرش از سفیان بن سعید، گفت: شنیدم ابا عبد الله جعفر بن محمد الصادق (ع) و به خدا سوگند همانطوری که نامیده شد راستگو است..... سفیان گفت: (پس به او گفتم: ای فرزند رسول خدا آیا جایز است که خداوند به بندگانش در بود و نبود امید و رجاء دهد؟ فرمودند: نه ، پس گفتم : چگونه خداوند به موسی و هارون فرمودند (شاید متذکر شود، یا (از خدا) بترسد!) (طه: ۴۴) ، در حالی که دانست که فرعون نه متذکر و نه خشوع می کند؟ (ع) فرمودند: **همانا فرعون متذکر و خشوع کرد، اما هنگام**

۱- طه: ۴۴.

۲- معانی الأخبار: ص ۳۸۵.

دیدن سختی و دشواری که دیگر ایمان برای او سودی ندارد ، آیا نشنیدی که خداوند می فرماید: (هنگامی که غرق(آب) دامن اورا گرفت، گفت ایمان آوردم که هیچ معبودی، جز کسی که بنی اسرائیل به او ایمان آورده‌اند، وجود ندارد؛ و من از مسلمین هستم) **و خداوند متعال ایمان او را نپذیرفت و فرمودند: (الآن؟! در حالی که قبلا عصیان کردی، و از مفسدان بودی! ولی امروز، بدنت را (ازآب) نجات می‌دهیم ، تا عبرتی برای آیندگان باشی!) می فرماید شما را بر جلگه ای از زمین می افکنیم تا برای بعد از شما نشانه و عبرتی باشی.**

و آن سختی و دشواری که فرعون دیده همانطور که امام کاظم(ع) فرمودند: (نه اینکه عذاب) به آن واقع شد تا آنجا که گفت ایمان آوردم ... عذاب و سختی بر آن فرود نیامد) ، همان معجزه قاهره او را به ایمان آوردن مجبور ساخت ، و آن (معجزه) دوکوه آبی که او را حاطه کرده اند ، و فرعون دریافت که هلاک او با فروریختن آنهاست (هنگامی که غرق(آب) دامن اورا گرفت، گفت ایمان آوردم) .

واگر این معجزه ی قاهره ای که فرعون بادرست هایش لمس کرده و او را به ایمان مجبور ساخته نبود ، خداوند سبحان و تعالی ایمان فرعون را قبول می کرد و آن عذاب را از او برمی داشت و او را سالم از دریا خارج می کرد، یا حد اقل تقدیر فقط ایمان او را می پذیرفت ، و خدای سبحان حتی در آخرین لحظه ی زندگی انسان توبه ی او را قبول می کند.

و لازم است ملاحظه ای داشته باشیم که فرعون از حضرت موسی (ع) شنید ، و مناظره ی حضرت موسی(ع) به آن چیزی که موسی (ع) از طرف خداوند سبحان آورده بود پذیرفت ، پس شرفرعون نسبت به فرعونیان و طاغوتیان این زمان که خداوند آنها را در دنیا و آخرت لعنت و رسوا کند آسانتر است .

﴿وَقَالَ مُوسَىٰ يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ \* حَقِيقٌ عَلَيَّ أَن لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ \* قَالَ إِن كُنتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ \* فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ \* وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ \* قَالَ الْمَلَأُ

مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ \* يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ \* قَالُوا أَرْجِهْ  
وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ \* يَا تَوَكُّبِكَلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ \* (اعراف: ۱۰۴ - ۱۱۲)

(و موسی گفت ای فرعون بی‌تردید من پیامبری از سوی پروردگار جهانیانم \* شایسته است که بر خدا جز [سخن] حق نگویم من در حقیقت دلیلی روشن از سوی پروردگارتان برای شما آورده‌ام پس فرزندان اسرائیل را همراه من بفرست \* [فرعون] گفت اگر معجزه‌ای آورده‌ای پس اگر راست می‌گویی آن را ارائه بده \* پس [موسی] عصایش را افکند و بناگاه اژدهایی آشکار شد \* و دست‌خود را [از گریبان] بیرون کشید و ناگهان برای تماشاگران سپید [و درخشانده] بود \* سران قوم فرعون گفتند بی‌شک این [مرد] ساحری داناست \* می‌خواهد شما را از سرزمینتان بیرون کند پس چه دستور می‌دهید \* گفتند او و برادرش را بازداشت کن و گردآورندگانی را به شهرها بفرست \* تا هر ساحر دانی را نزد تو آرند).

و مسئله‌ی عدم قبول توبه و ایمان و بازگشت به اعتراف بولایت ولی خدا و حجت او بر خلقش هنگامی که معجزه‌ی قاهره که تأویل نمی‌شود مانند عذاب دنیوی (سختی و دشواری) مسئله‌ی ای است که در قرآن ذکر شده و فقط در قضیه‌ی ایمان فرعون و عدم قبول ایمان او نیست، بلکه در جاهای دیگری آمده و این نمونه‌ی ای از آن به عنوان مثال:

﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَضَرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ﴾<sup>(۱)</sup>.

آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان به سویشان بیایند یا پروردگارت بیاید یا پاره‌ای از نشانه‌های پروردگارت بیاید [اما] روزی که پاره‌ای از نشانه‌های پروردگارت [پدید] آید کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده ایمان آوردنش سود نمی‌بخشد بگو منتظر باشید که ما [هم] منتظریم.

﴿قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾<sup>(۱)</sup>.

«بگور روز پیروزی ایمان کسانی که کافر شده‌اند سود نمی‌بخشد و آنان مهلت نمی‌یابند»

﴿فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ \* فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيْمَانُهُمْ لَمَّا

رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ﴾<sup>(۲)</sup>.

پس چون سختی [عذاب] ما را دیدند گفتند فقط به خدا ایمان آوردیم و بدانچه با او شریک می‌گردانیدیم کافریم \* و [لی] هنگامی که عذاب ما را مشاهده کردند دیگر ایمانشان برای آنها سودی نداد سنت خداست که از [دیرباز] در باره بندگانش چنین جاری شده و آنجاست که ناباوران زیان کرده‌اند .

وسؤال اینجاست که : برای چه ﴿لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا

خَيْرًا قُلْ انتظروا إنا منتظرون﴾<sup>(۳)</sup> ؟؟

کسی که قبلا ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده ایمان آوردنش سود نمی‌بخشد بگو منتظر باشید که ما [هم] منتظریم .

در زمانی خداوند توبه ی بنده ای را قبول می کند همانطور که در روایات آمده تا آنجا که نگاه می کند( قبل از مرگ ) ؟

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، قَالَ: (قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ تَابَ قَبْلَ مَوْتِهِ بِسَنَةِ قَبْلِ اللَّهِ تَوْبَتَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ السَّنَةَ لَكَثِيرٌ مَنْ تَابَ قَبْلَ مَوْتِهِ بِشَهْرٍ قَبْلِ اللَّهِ تَوْبَتَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ الشَّهْرَ لَكَثِيرٌ ثُمَّ قَالَ مَنْ تَابَ قَبْلَ مَوْتِهِ بِجُمُعَةٍ قَبْلِ اللَّهِ تَوْبَتَهُ ثُمَّ قَالَ وَإِنَّ الْجُمُعَةَ لَكَثِيرٌ مَنْ تَابَ قَبْلَ مَوْتِهِ بِيَوْمٍ قَبْلِ اللَّهِ تَوْبَتَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ يَوْمًا لَكَثِيرٌ مَنْ تَابَ قَبْلَ أَنْ يُعَايِنَ قَبْلَ اللَّهِ تَوْبَتَهُ)<sup>(۴)</sup>.

۱- سجدة: ۲۹.

۲- غافر: ۸۴ - ۸۵.

۳- أنعام: ۱۵۸.

۴- کافی: ج ۲ ص ۴۴۰، وسائل الشیعة (آل البيت): ج ۱۶ ص ۸۷.

از ابی عبد الله (امام صادق) (ع)، می فرماید: (رسول خدای فرماید (ص): هر کس یک سال قبل از مرگش توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد سپس فرمود همانا یک سال زیاد است، هر کس یک ماه قبل از مرگش توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد سپس فرمود همانا یک ماه زیاد است، هر کس یک هفته قبل از مرگش توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد سپس فرمود همانا یک هفته زیاد است، هر کس یک روز قبل از مرگش توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد سپس فرمود همانا یک روز زیاد است، هر کس قبل از مرگ توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد).

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ فِي حَدِيثٍ: (أَنَّ رَجُلًا شَيْخًا كَانَ مِنَ الْمُخَالِفِينَ عَرَضَ عَلَيْهِ ابْنُ أَخِيهِ الْوَلَايَةَ عِنْدَ مَوْتِهِ فَأَقْرَبَهَا وَشَهَقَ وَمَاتَ قَالَ فَدَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَعَرَضَ عَلَيَّ بِنُ السَّرِيِّ هَذَا الْكَلَامَ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، فَقَالَ: هُوَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ. قَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ السَّرِيِّ إِنَّهُ لَمْ يَعْرِفْ شَيْئًا مِنْ هَذَا غَيْرَ سَاعَتِهِ تِلْكَ! قَالَ: فَتُرِيدُونَ مِنْهُ مَاذَا قَدْ وَاللَّهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ<sup>(۱)</sup>.

از معاویه بن وهب در حدیثی: (همانا پیرمردی از مخالفین بود و در هنگام مرگش پسر برادرش ولایت را به او عرضه کرد و او پذیرفت و در حال جان گندن آن را گفت و مُرد، و بر ابی عبد الله (ع) وارد شدیم علی بن سریّ این کلام را بر ابی عبد الله (ع) عرضه کرد، پس فرمودند: **اومردی از اهل بهشت است.** علی بن سریّ به او گفت: او از این امر (ولایت) چیزی نمی داند غیر از آن لحظه! (ع) فرمودند: **پس دیگر از او چه می خواهید به خدا سوگند که وارد بهشت شد**)

قَالَ الصَّدُوقُ: وَسُئِلَ الصَّادِقُ (ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: ﴿وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ﴾، قَالَ (ع): ذَٰلِكَ إِذَا عَايَنَ أَمْرَ الْآخِرَةِ<sup>(۲)</sup>.

۱- کافی: ج ۲ ص ۴۴۰، وسائل الشیعة (آل البيت): ج ۱۶ ص ۸۷.

۲- من لا یحضره الفقیه: ج ۱ ص ۱۳۳، وسائل الشیعة (آل البيت): ج ۱۶ ص ۸۹.

صدوق گفت : واز امام صادق (ع) درباره ی فرمایش خداوند پرسیده شد : (برای کسانی که کارهای بد را انجام می دهند ، وهنگامی که مرگ یکی از آنها فرامی رسد می گوید: «الان توبه کردم!» توبه ای نیست!)، فرمود (ع): آن وقتی که امر آخرت را دید

و پاسخ به سؤال پیش واضح و درخود آیه ی قبل موجود می باشد، خداوند متعال می فرماید: ﴿... يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انتظروا إنا منتظرون﴾<sup>(۱)</sup>. [اما] روزی که پاره ای از نشانه های پروردگارت [پدید] آید کسی که قبلا ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده ایمان آوردنش سود نمی بخشد بگو منتظر باشید که ما [هم] منتظریم).

حال چه زمانی است که: ﴿لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انتظروا إنا منتظرون﴾؟؟

کسی که قبلا ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده ایمان آوردنش سود نمی بخشد بگو منتظر باشید که ما [هم] منتظریم؟؟

پاسخ: ﴿يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ﴾ ( اما آنروز که بعضی از آیات پروردگارت تحقق پذیرد).

پس اکنون امر واضح است که با آمدن بعضی از آیات الهی ، یعنی : بعضی از معجزات ایمان سودی ندارد ، و حقیقت این است که آن پذیرفته نمی شود ؛ زیرا او بر ایمان و تسلیم به امر واقع مجبور و مقهور شد ، و ( این ) ایمان و اسلام و تسلیم نیست؛ چون که این معجزات معجزات قاهره هستند و تأویل نمی شوند. و اما در بقیه ی معجزات و آیات الهی ایمان پذیرفته می شود اگر پیش بیایند ؛ زیرا آنها جایی برای ایمان به غیب گذاشتند ، پس آن عصایی که موسی (ع) با آن آمد و دست بیضاء و درخشانش که تأویل کنندگان آن را تأویل و تفسیر کردند و با این که موسی (ع) بر ساحران پیروز شد ، ولی ﴿قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا

بِكُلِّ كَافِرٍ ﴿١﴾ ، گفتند دو ساحر (موسی و هارون) با هم ساخته‌اند و گفتند ما همه را منکریم و فرعون گفت: ﴿إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ﴾ ﴿٢﴾ ، (قطعا او بزرگ شماست که به شما سحر آموخته است) پس برای ایمان به غیب با وجود معجزه جایی باقی مانده است .  
 اما هنگامی که فرعون ایمان آورد و او در بین دو کوه آب بود در آنجا جایی برای ایمان به غیب وجود نداشت ، بلکه آن ایمان (تصدیق) صد در صد مادی بود ؛ آنگاه که آن را از یک قدرت قاهره که دریا را به دو نصف شکافته است می بیند ، و او آن را فقط با چشم ندید تا به آن گفته شود جادو شده است ، بلکه اوبه قعر دریا فرود آمد و دو کوه آب را با دستپایش لمس کرد ، پس غیرممکن است که این معجزه نسبت به فرعون تأویل شود و او بر این حال از آن آگاه و مطمئن می باشد ، پس او در وسط دریا متحیر ایستاد و برای نجات یافتن به جزء ایمان آوردن و تصدیق راهی نیافت، پس ایمان فرعون پذیرفته نشد؛ زیرا آن ایمان و تصدیق صد درصد مادی است، و خداوند جزایمان به غیب نمی پذیرد:

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ ﴿٣﴾ .

آنان که به غیب ایمان می‌آورند و نماز را بر پا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند .

﴿الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ﴾ ﴿٤﴾ .

[همان] کسانی که از پروردگارشان در نهان می‌ترسند و از قیامت هراسناکند .

﴿إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ﴾ ﴿٥﴾ .

۱- قصص: ۴۸.

۲- طه: ۷۱، الشعراء: ۴۹.

۳- بقره: ۳.

۴- انبیاء: ۴۹.

۵- فاطر: ۱۸.

[تو] تنها کسانی را که از پروردگارش در نهان می‌ترسند و نماز برپا می‌دارند هشدار می‌دهی.

﴿إِنَّمَا تُنذِرُ مَنْ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ﴾<sup>(۱)</sup>.

بیم دادن تو تنها کسی را [سودمند] است که کتاب حق را پیروی کند و از [خدای] رحمان در نهان بترسد [چنین کسی را] به آموزش و پاداشی پر ارزش مژده ده.

﴿مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ﴾<sup>(۲)</sup>.

آنکه در نهان از خدای بخشنده بترسد و با دلی توبه کار [باز] آید.

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ

فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾<sup>(۳)</sup>.

به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف بر خیزند و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است پدید آوردیم تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان او و پیامبرانش را یاری می‌کند آری خدا نیرومند شکست ناپذیر است.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ﴾<sup>(۴)</sup>.

کسانی که در نهان از پروردگارش می‌ترسند آنان را آموزش و پاداشی بزرگ خواهد بود.

و برای آنکه بهره‌ی آن کامل تر شود این نوشته‌هایی که بوسیله‌ی دست این بنده‌ی فقیر به رحمت پروردگارش در کتاب الجهاد باب الجنة (جهاد در بهشت) پیرامون در هم آمیختگی و ناروشنی معجزه نقل می‌کنم:

۱- ی س: ۱۱.

۲- ق: ۳۳.

۳- حدید: ۲۵.

۴- ملک: ۱۲.



(....ولکن فقط مناقشه جزئی در خصوص معجزاتی که انبیاء به و سیله آنها تأیید شدند خواهیم داشت و آن بخاطر اهمیت آن وغفلت مردم از آن که عبارتند از: مسئله تلبیس (سرپوش گذاشتن) در معجزه وهدف آن اینکه مردم می دانند که از جمله معجزات حضرت موسی (ع) عصایی بود که به افعی تبدیل شد و آن در زمان انتشار سحر و جادو بود واز جمله معجزات حضرت عیسی(ع) شفای بیماران در زمانی که طب وپزشکی در آن منتشر شده بود واز جمله معجزات حضرت محمد (ص) قرآن است وآن در زمانی بود که بلاغت کلام منتشر شده بود ودر اینجا کسی که با حقیقت آشنایی ندارد علت شباهت معجزه با آنچه در زمان وقوع آن را تنها بر ای غلبه معجزه بر سحر و طب و بلاغت می داند ولکن حقیقتی که بر مردم مخفی مانده با اینکه آن در قرآن ذکر شده این است که معجزه ی مادی برای مشتبه کردن کسی که جز ماده چیزی را نمی شناسد آمده است ، پس خداوند سبحان به ایمان مادی راضی نمی شویا آنکه در قرآن ذکر شده اینکه معجزه مادی برای کسانیکه جز ماده چیزی نمی دانند آمده است که خداوند سبحانه و تعالی راضی نمی شود که ایمان به ماده باشد بلکه لازم و ضروری است که ایمان به غیب باشد و می فرماید:

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾<sup>(۱)</sup>.

آنان که به غیب ایمان می آورند و نماز را بر پا می دارند و از آنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند .

﴿إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ﴾<sup>(۲)</sup>.

بیم دادن تو تنها کسی را [سودمند] است که کتاب حق را پیروی کند و از [خدای] رحمان در نهان بترسد [چنین کسی را] به آمرزش و پاداشی پر ارزش مژده ده .

﴿مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ﴾<sup>(۳)</sup>.

۱- بقره: ۳.

۲- یس: ۱۱.

۳- ق: ۳۳.

(آنکس که از خداوند رحمان در نهان بترسد و با قلبی پر انابه در محضر او حاضر شود!)  
 ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ  
 بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾<sup>(۱)</sup>.

به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف بر خیزند و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است پدید آوردیم تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان او و پیامبرانش را یاری می‌کند آری خدا نیرومند شکست‌ناپذیر است.

خداوند سبحانه و تعالی خواستار ایمان بندگان به غیب میباشد و معجزه‌هایی را که می‌فرستد حتما در آن ایمان به غیب وجود دارد و به همین دلیل در آن اندکی پوشیدگی است که در بیشتر مواقع در زمانی که ارسال می‌شوند شبیه به هم هستند ﴿وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا  
 وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِم مَّا يَلْبَسُونَ﴾<sup>(۲)</sup>.

وچنانچه فرشته‌ای به رسالت فرستیم، هم او را به صورت بشری در آوریم و بر آنان همان لباس مردان بپوشانیم.

و به این دلیل مادی گرایان و کسانی که بجز ماده چیزی را نمی‌شناسند در مشابه بودنشان عذری برای سقوطشان می‌بینند: ﴿فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ  
 مُوسَىٰ أَوْلَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرُونَ﴾<sup>(۳)</sup>.

۱- حدید: ۲۵.

۲- أنعام: ۹.

۳- قصص: ۴۸.

پس هنگامیکه رسول گرامی حق از جانب ما بر آنها فرستاده شد گفتند: چرا به این رسول مانند موسی معجزاتی داده نشد؟ و گفتند: اینها سحر و جادوگری است که موسی و هارون ظاهر می‌کنند و گفتند: ما به همه اینها سخت بی‌ایمان و بی‌عقیده ایم.

پس تشابه برای آنها بهانه ای شده تا بگویند ﴿سِحْرَانِ نَّظَاهِرَا﴾ سحر

و جادوگری است که موسی و هارون ظاهر می‌کنند و ﴿إِنَّا بِكُلِّ كَافِرٍ﴾ ما به همه اینها سخت بی‌ایمان و بی‌عقیده ایم، و امیر مؤمنین (ع) درحالی که یکی از منافقین را توصیف می‌کرد فرمودند: (...شبهه‌ها را برای سقوط خود عذری قراردادند) <sup>(۱)</sup>.

اما اگر معجزه قدرت مند باشد و در آن هیچ شبهه ای نباشد در آن حالت برای ایمان به غیب هیچ جایگاهی باقی نمی‌ماند که در این حالت پناه بردن به ایمان اجباری می‌شد این نه ایمان است و نه اسلام است بلکه تسلیم شدن است و این مورد رضایت خداوند نمی‌باشد و آن را نمی‌خواهد و قبول نمی‌کند ﴿وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ <sup>(۲)</sup>،

و ما بنی اسرائیل را از دریا گذرانیدیم پس آنکه فرعون و سپاهش به ظلم و تعدی از آنها تعقیب کردند تا چون هنگام غرق او فرا رسید گفت: اینک من ایمان آوردم به آنکه بنی اسرائیل به او ایمان دارند و جز او خدایی نیست و من هم تسلیم فرمان او هستیم.

پس فرعون ایمان می‌آورد و مسلمان می‌شود یا بگوئیم تسلیم می‌شود قبل از اینکه بمیرد اما خداوند به این ایمان و این اسلام نه راضی می‌شود و نه قبول می‌کند

۱- قال أمير المؤمنين عليه السلام: لعار بن ياسر - وقد سمعه يراجع المغيرة بن شعبة كلاماً - : (دعه يا عمار فإنه لم يأخذ من الدين إلا ما قاربه من الدنيا، وعلى عمد لبس على نفسه ليجعل الشبهات عاذراً لسقطاته) نهج البلاغة بشرح محمد عبده: ج ۴ ص ۹۵. (امیر مؤمنین عليه السلام گفت: به عمار بن یاسر و درحالی شنید که او با مغیره بن شعبه بحث می‌کرد: (او را به حال خود بگذار ای عمار زیرا او از دین آن چیزی را می‌برد که برای دنیایش فایده داشته باشد، و از روی عمد امور را بر خود مشتبه کرده تا شبهات را بهانه ای برای سقوط خود قرارداد)

و خداوند سبحان با این جواب به او پاسخ می دهد:

﴿الآن وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ﴾<sup>(۱)</sup>.

به او خطاب شد: اکنون ایمان آوردی؟ در صورتی که عمری پیش از این به کفر و نافرمانی زندگی کردی و از بد کاران بودی.

این ایمان به سبب یک معجزه قدرتمند و قهار حاصل شد و برای کسانی که بجز این جهان مادی چیز دیگری را نمی شناسند برای تأویل یا وارد شدن شبهه بر کسانی که به آن ایمان آوردند هیچ مجال نیست و با این وجود برای غیب و از طریق غیب آنچنان که خدا می خواهد جایگاهی باقی نمی ماند. لذا تا این حد ایمان پذیرفتنی نیست چون آن التجاء و اجباری است نه

ایمان ﴿هَلْ يُنظَرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انتظروا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ﴾<sup>(۲)</sup>.

آیا انتظار دارند جز آنکه فرشتگان قهر بر آنها در آیند و یا امر خدا و یا قضای الهی بر آنان رسد و همه هلاک شوند، یا برخی دلایل و آیات خدا آشکار شود، روزی که قهر خدای تو بر آنها برسد آن روز هیچ کس را ایمان نفع نبخشد اگر قبل از آن ایمان نیاورده و یا در ایمان کسب خیر و سعادت نکرده باشند، بگو: در انتظار نتیجه اعمال زشت باشید ما هم هستیم.

﴿قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾<sup>(۳)</sup>.

ای رسول ما بگو: که روز فتح، ایمان آنان که کافر بودند سود نبخشد و به آنها با نظر لطف و رحمت ننگرند.

و اگر خداوند می خواست که ایمان مردم با التجاء و به اجبار باشد همراه انبیاء معجزات قهار می فرستاد تا مجالی برای کسی باقی نماند که بگوید

۱- یونس: ۹۱.

۲- أنعام: ۱۵۸.

۳- سجدة: ۲۹.

﴿سِحْرَانِ تَظَاهَرَا﴾ (سحری ظاهر است) یا ﴿أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلِ اقْتَرَاهُ بَلٌ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأُولُونَ﴾<sup>(۱)</sup>،

(اظهار جادوگری) یا (خواب و خیالی بی اساس است بلی محمد شاعر بزرگی ست که این کلمات را خود فرا بافته است و گرنه باید مانند پیغمبران گذشته آیت و معجزه ای برای ما بیاورد).

خداوند می فرماید: ﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرَهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾<sup>(۲)</sup>

اگر خدای تو می خواست اهل زمین همه یکسر ایمان می آوردند آیا تو مردم را به اجبار و می داری که ایمان بیاورند؟

و نیز خداوند می فرماید: ﴿وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلْمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بآيَةٍ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَىٰ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ﴾<sup>(۳)</sup>.

چنانچه انکار و اعتراض آنها تورا سخت می آید اگر توانی نقبی در زمین بساز یا نردبانی بر آسمان بر افراز تا آیتی بر آنها آوری و اگر خدا می خواست همه را مجتمع بر هدایت می کرد پس تو البته از آن جاهلان مباش.

پس ستایش مخصوص خدایی که بوسیله ی ایمان به غیب راضی است و ایمان را از راه غیب و از خلال غیب قرارداد و به ایمانی که در اثر عوامل مادی بوجود می آید راضی نمی شود

۱- انبیاء: ۵.

۲- یونس: ۹۹.

۳- انعام: ۳۵.

وآن را درماده وازخلال ماده قرارنمی دهد تا اینکه اهل قلوب و بصیرت نافذ از بصیرت های کور و قلب های مختوم جدا سازد و درحقیقت واقعیت همین است (...)<sup>(۱)</sup>.

والحمد لله رب العالمین.

وَأَسْأَلُ اللَّهَ لِكُلِّ مَنْ يَقْرَأُ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ الْقَلِيلَةَ الْهَدَايَةَ وَمَعْرِفَةَ الْحَقِّ وَنَصْرَتَهُ هُوَ وِلي وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ.

واز خداوند مسئلت دارم هرکسی که این کلمات اندک وقلیل را بخواند هدایت کند وحق را بشناسد وآن را یاری کند، اوست سرپرست من و اوست سرپرست صالحان است.

**أحمد الحسن**

**محرم ۱۴۲۹ هـ . ق**